

چشم‌انداز گروه‌ها و جریان‌های چپ مصر

پوریا پرندوش*

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره 3، پیاپی 63، پاییز 1394؛ صفحات 174 - 147

چکیده

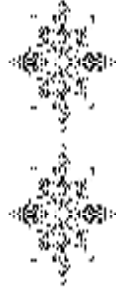
جهان حاضر همواره آستان تغییرات بسیاری است. خیزش‌های انقلابی و گفتمان‌های سیاسی مبارزه‌گر به همراه سیالیت متغیرهای در صحنه، امر سیاسی را به یکی از پیچیده‌ترین ابعاد شناختی تبدیل کرده است. از مسائل مهم در فهم فرایندها و فراگردهای سیاسی در جوامع گوناگون و همچنین در درک آینده و مسیر تحولات، شناخت گروه‌ها و جریان‌ات سیاسی موجود در درون نظام‌های سیاسی است. مقاله حاضر درصدد است تا با رویکرد جامعه‌شناسی به شناخت جریان‌های سیاسی چپ در مصر مبادرت ورزد. به همین دلیل پس از تبیین شرایط کنش موجود، گروه‌ها و جریان‌های چپ در مصر مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در نهایت با بررسی ساختار حزبی مصر پس از انقلاب 25 ژانویه 2011 و تحولاتی که در آن رخ داده است، به شناخت پتانسیل‌های موجود برای کنشگری فعال سیاسی، به منظور پاسخ به پرسش قامض امکان یا امتناع فعالیت چپ‌ها در آینده سیاسی مصر پس از کودتای «ژنرال سیسی» خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی

مصر، جریان‌های چپ، انقلاب 25 ژانویه، کودتا، سیسی

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی؛ دانشگاه شهید بهشتی Pouriya.parandoush@gmail.com

پنج سال است که از انقلاب 25 ژانویه در مصر می‌گذرد؛ خیزشی فراگیر ضد کشوری که هیچ‌گاه در تاریخ، روی دموکراسی را به خود ندیده و تنها انقلابی که به خاطر داشت انقلابیون 1952، افسرانی بودند که می‌خواستند از استعمار رهایی یابند، با امپریالیسم مبارزه کنند و به ساختن مصر پردازند. ولی این تحولات نتوانست دموکراسی را برای مصر به ارمغان آورد، بلکه گرایش چپ نیز پس از مدتی به غرب‌گرایی و سیاست‌های لیبرالیستی در دوره سادات و مبارک روی آورد و مصر با چرخشی بسیار معنادار به پیمان صلح با اسرائیل در قالب پیمان کمپ دیوید و هم‌پیمانی با امریکا تن در داد. آنچه توانست در چرخش‌های به چپ و راست و تغییر حکام مصر ثابت بماند، استبداد و حکومت اقتدارگرایی نظامیان در مصر، وخیم‌تر شدن بحران اقتصادی، فقر ملت و فساد حکومت بود. بسته شدن فضای سیاسی، آزادی‌های مدنی و سرکوب گسترده مخالفان اعم از اسلام‌گرایان، لیبرال‌ها و چپ‌گرایان سبب نوع دیگری از کنش انقلابی در قالب نهضت‌ها و بسیج توده‌ای از سوی جنبش جوانان ششم آوریلی شد که توانستند با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی به ویژه فیسبوک و توییتر و همراه کردن کارگران و سایر اقشار محروم، سبب ایجاد موجی انقلابی شوند، گروه‌های سستی احزاب سیاسی را به عرصه بکشاند و با عدم مقاومت ارتش و فقدان مقبولیت حاکمیت و شخص مبارک، مشروعیت و مقبولیت را از وی ستانده و وی را ناچار به تسلیم در برابر موج فزاینده انقلاب در مهم‌ترین کشور عربی منطقه کنند. ظهور اخوان و برگزاری انتخابات با مشارکت بسیار نازل - در حدود 25 درصد - مشکلات معیشتی فزاینده، بیکاری و فقر گسترده و تلاش اخوان برای اسلامیزه کردن سیاست مصر و نادیده گرفتن سایر گروه‌ها جهت انحصار و تجمیع قدرت خود از سویی و عدم سازمان‌یافتگی احزاب و گروه‌های سیاسی، عدم تجربه دموکراتیک و پذیرش قواعد بازی سیاسی و به طور کلی عدم شکل‌گیری ساختارهای مناسب دولت - ملت‌سازی پس از انقلاب در



نهایت سبب ناکارآمدی دولت اخوانی‌ها، از دست دادن سرمایه اجتماعی و سقوط آن، آن هم نه به وسیله حرکتی سیاسی و در قواعد ساختاری یک دموکراسی مدرن و کارا، بلکه به وسیله کودتا و تشکیل دولت انتقالی و در نهایت هموار شدن ظهور پوپولیسم در سیاست مصر و به قدرت رسیدن ژنرال سیسی به عنوان مسئول کودتای سال 2013 ارتش در مصر گردید. میزان سرکوبی در حکومت ژنرال عبدالفتاح السیسی در رابطه با تعداد مصریان کشته، مجروح و دستگیر شده، به مراتب بسیار بیشتر از حکومت‌های حسنی مبارک و حتی جمال عبدالناصر بوده است. در واقع مبارک به دنبال حذف کامل و از میان بردن اپوزیسیون نبود، در حالی که سرکوب در دولت سیسی با شدت و حدت زیاد و فراگیرتری صورت می‌گرفت؛ چیزی که به گزارش شورای دیده‌بان حقوق بشر، می‌تواند بدترین کشتار دسته‌جمعی در تاریخ مصر مدرن قلمداد شود (<http://www.hrw.org/2015/01/26>).

در چنین فضای امنیتی شدیدی که هرگونه تلاش خلاف جریان حاکم، به زندان و مرگ منتهی می‌شود انجام فعالیت حزبی بسیار مشکل است و هزینه‌های گزافی خواهد داشت. جریان چپ اگرچه در مرکزیت مبارزه و حذف کامل از سوی نظامیان قرار نگرفته، ولی به دنبال بازسازی نظام اقتدارگونه سیسی در محاق واقع شده است. کشته شدن «شیما الصباغ» از رهبران چپ مصر در اجتماع اپوزیسیون، همزمان با سالگرد انقلاب 25 ژانویه مصر در سال 2015 همراه با 25 نفر دیگر به دست نیروهای امنیتی و عدم پیگیری متهمین به قتل از سوی نظام قضایی، هشدار شدیدی به همه نیروهای مخالف بود.

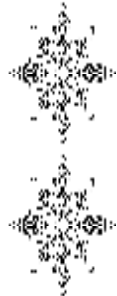
این پژوهش درصدد شناخت گروه‌ها و جریان‌های چپ مصر و میزان بازیگری در وضعیت کنونی و قدرت کنشگری در معادلات سیاسی مصر است.

جریان‌شناسی احزاب و گروه‌های سیاسی در مصر

به طور کلی می‌توان گروه‌ها، احزاب و گرایش‌های سیاسی در مصر را به سه

دسته لیبرال‌ها، مارکسیست‌ها و اسلام‌گرایان تقسیم کرد. مصر از دهه‌های گذشته تاکنون، از یک سو همواره شاهد تنش‌های ایدئولوژیک در میان فعالین لیبرال، روشنفکران و گروه‌های چپ و از سوی دیگر اسلام‌گرایان و سلفی‌ها بوده است. در واقع در مصر پیوسته یک جنگ داخلی ایدئولوژیک جریان داشته است. با توجه به تجربه سال‌های طولانی استعمار و پس از آن استبداد داخلی و سرکوب احزاب مخالف توسط ارتشیان و نظامی‌هایی که پس از ناصر به قدرت رسیده و حامی لیبرالیسم اقتصادی، همسویی با غرب، اقتدارگرایی در داخل و آمورفیزه کردن ساختار حزبی و سیاسی دموکراتیک به سود خود بوده‌اند، گروه‌های اپوزیسیون اغلب به صورت زیرزمینی به حیات خود ادامه دادند و دوره‌هایی از سرکوب و تعقیب را در فضای به شدت امنیتی مصر به ویژه در دوره ناصر و سادات همراه با افت و خیزهایی در دوره زمامداری حکومت اقتدارگرای مبارک تجربه کرده‌اند. در کشوری که بیش از 60 درصد جمعیتش را جوانان تشکیل می‌دهند و ارتش حدود 40 درصد از اقتصاد آن کشور را در کنترل دارد، به طور طبیعی فضای کنش سیاسی برای اصلاحات از بالا تا حدودی شکست می‌خورد. این ناامیدی و سرخوردگی، جوانان طبقه متوسط، کارگران و تهیدستانی که شاهد لیبرالیزه شدن اقتصاد مصر و بیکاری گسترده بودند - از سال 1994 تا سال 2004 تعداد کارگران بخش دولتی حدود 50 درصد کاهش یافته است - و همچنین روشنفکران در بند، در تبعید، سرخورده، سالخورده، احزاب سیاسی و گروه‌هایی که توان رویارویی مؤثر با سیاست امنیتی مصر نداشتند را به اندیشه انقلاب از پایین به جای اصلاح از بالا سوق داد.

انقلاب از پایین را می‌توان در ابتدا مرهون جنبش جوانان 6 آپریل و استفاده گسترده و مؤثر از ابزارهای ارتباط جمعی مدرن مانند فیسبوک دانست. آنان با استفاده از پتانسیل این ابزارها و استفاده از نمادگرایی‌های گسترده، تاکتیک‌های مدرن و نوع تازه‌ای از بسیج منابع و جنبش اجتماعی، دست به برگزاری

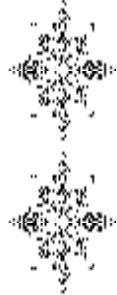


تظاهرات در مصر زدند. در مقابل، دولت به دلیل عدم توانایی‌اش و دلایلی مانند بی‌رغبتهی ارتش در سرکوب معترضان، از دست رفتن مشروعیت حاکمیت مصر و دولت مبارک و مقبولیت وی، ناکارآمدی و فقر و فساد گسترده در سطح کلان توان پاسخگویی به معترضان را نداشت و در نتیجه، انقلاب 25 ژانویه در مصر به وقوع پیوست (Anderson, 2011).

مسئله‌ای که در تبیین تحولات جهان عرب، اهمیت فراوانی دارد توجه به ویژگی‌های متمایزکننده و مشابهت‌های کشورهای عربی است و تبیین کلی تحولات راه به جایی نخواهد برد. اگرچه بسیاری از کشورهای عربی، پادشاهان و شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس در یک عامل یعنی استبداد و حکومت اقتدارگرایی سرکوب‌گر مشابهت‌هایی دارند، ولی هر کدام از این کشورها دارای شرایط ویژه داخلی - بین‌المللی مختص خود هستند. بسیاری از افرادی که ادعا می‌کنند منطق تحولات و انقلاب‌ها در موج خیزش‌های جهان عرب شباهت‌های فراوانی به هم دارند و دومینوی سقوط و گسترش موج دموکراسی را باور دارند از پاسخ به این سؤال ناتوانند که چگونه مردم مصر در برکناری و سقوط مبارک موفق شدند، اما مردم الجزایر، مراکش، عربستان، قطر، امارات، عمان، کویت و اردن توان به چالش کشیدن جدی رژیم را ندارند و یا اینکه چرا در سوریه به جنگ داخلی و یا در بحرین به مداخله خارجی برای سرکوبی و بازگرداندن نظم سابق روی آورده شده است.

به طور کلی برای تبیین تحولات جهان عرب، علاوه بر لزوم بررسی جریان‌های سیاسی، ساختار حکومتی و نظام مستقر موجود، نیروهای اجتماعی و منافع و خواسته‌های هرکدام، نیازمند لزوم توجه به منطق تحولات به صورت دیالکتیکی بین ساختار و کارگزار است. بدین ترتیب علاوه بر در نظر گرفتن کنشگران (نیروهای اجتماعی، ارتش، احزاب سیاسی، اپوزیسیون‌ها، توده مردم و رژیم حاکمه) به صورت افراد و گروه‌های محصور در ساختارهای خرد و کلان،

می‌توانیم این پتانسیل و توان بالقوه را در آنها ببینیم که در وقتهای اجتماعی و سیاسی خاص، دست به کنش جمعی و به چالش کشیدن هژمونی گفتمانی، مشروعیت و اقتدار رژیم اقتدارگرای حاکم بزنند. از سوی دیگر، علاوه بر لزوم در نظر گرفتن دیالکتیک ساختار و کارگزار، یکی از موانع فهم صحیح جریانهای دخیل در کنشهای جمعی و انقلابها، نزاع شدید گفتمانی است که هر گروه پس از انقلاب سعی در برجسته‌سازی خود و بی‌اعتباری دیگری دارد. این نزاع گفتمانی را باید جدی گرفت؛ چرا که در وهله بعدی، به سهم‌خواهی متوازن و یا انحصارگری در سیاست پس از انقلاب منجر خواهد شد. به طور کلی می‌توان دینامیزم اعتراضات و انقلابها را به صورت یک متن چند لایه و یک مصنوع فرهنگی- انقلابی در نظر گرفت که با توجه به بازنمایی‌هایی که صورت می‌گیرد سبب برکشیده شدن یک گروه، حزب و یا جنبش و به حاشیه کشیده شدن دیگری می‌شود؛ به ویژه در شرایط کژکارکرد سیستماتیک نظام‌های سیاسی اقتدارگرا، نمونه این مسئله، کشور مصر است که مانع از اجماع بر سر اصول و ارزش‌های اولیه انقلابی و دولت‌سازی پس از انقلابها جهت فرآیند تأسیس دولت می‌شود. علاوه بر همه اینها، مسئله بسیار مهم و اساسی پژوهش در سیاست و جامعه مصر، در نظر گرفتن تحولات و منطق پویا (دینامیک) در مقابل ایستایی جریانها، گروه‌ها و احزاب سیاسی است. بنابراین باید به تحولات درونی، شیفت‌های پارادایمی و درون پارادایمی و چگونگی این تحولات واقف شد و همواره در تحلیل‌ها آنها را مورد نظر قرار داد. برای نمونه، اخوان المسلمینی که پس از انقلاب مصر به عرصه سیاسی این کشور وارد شده بود با اخوان دهه 1980 میلادی که به دنبال تطبیق شریعت بر قانون بود، متفاوت است. این اخوان با اخوان حسن‌البناء نیز متفاوت است؛ چرا که این احزاب و گروه‌ها و ذات امر سیاسی دستخوش تغییرات اساسی شده است و این مسئله بی‌ربط با شرایط بیرونی نیست. به صورت بهتر می‌توان گفت که این دیالکتیک پایدار با محیط



پیرامونی خود است که پتانسیل فعالیت را در دل فعالین سیاسی قرار می دهد (Mellor, 2014: 82-98).

مشکلی که هیچ گاه مصر از آن رهایی نیافته علاوه بر مسائل ساختاری - که شرح آن به طور مفصل خواهد آمد - در عدم تعیین ماهیت انقلاب و بی هویتی آن بوده است. این مسئله ریشه در انقلابی دارد که فاقد ایدئولوژی، رهبری مشخص پیشران انقلاب و یک گفتمان مشخص است که سبب پیروزی انقلابی بدون مانیفست جهت تأسیس نظام سیاسی برای بازتعریف توازن و روابط بین قوا و جلوگیری از بازگشت به نظام اقتدارگرای پیشین است. انقلاب در این حالت، یک نوع مقاومت و نافرمانی مدنی گسترده است که باید بسیار زود به نتیجه برسد، وگرنه دچار انحلال ائتلاف های موقتی از درون می شود و این اتحاد شکننده به نوبه خود، تنش های پس از انقلاب را به همراه دارد. این در حالی است که در انقلاب مصر که محور بحث کنونی است نیز شعار اصلی «الشعب یرید اسقاط النظام» بود، یعنی در واقع هدف این بود که رژیم حاکمه برکنار شود. ولی سقوط رژیم و از میان رفتن نظم پیشین در شرایط سلبی منجر به ظهور نظم جدید و متفاوتی از نظم گذشته نخواهد شد؛ چرا که شرایطی پدید می آید که به قول مارکس در «هجدهم برومر ناپلئون» قدیم نمی تواند جدید را از بین ببرد و جدید نیز توان حذف قدیم را ندارد؛ یا به گونه ای قدیمی در حال مرگ است، ولی جدید نمی تواند به دنیا بیاید (Marx, 1994).

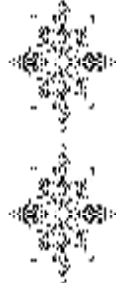
مسئله مهم دیگر در گروه بندی جریان های سیاسی (قوام، 1393، 157-197) در جهان سوم و جهان عرب و به طور خاص در مصر این است که نمی توان پایه دسته بندی ها را بر مبنای محوریت اقتصاد دانست؛ بلکه مسائل مهم تر از آن تقسیم بندی، بر مبنای ارزش ها و ایدئولوژی هاست؛ مانند سکولارها در برابر اسلام گرایان و یا سنت گرایان در برابر مدرنیست ها. شاید همین تفاوت و تمایزات ایدئولوژیک بود که انقلابیون میدان تحریر را بر سر سهم خواهی متوازن و

چگونگی دولت‌سازی پس از انقلاب دچار افتراق، واگرایی و در نهایت شکست آرمان‌ها ساخت.

احزاب سیاسی چپ در مصر؛ بررسی اجمالی

ایدئولوژی چپ در مصر یکی از اندیشه‌های محبوب کشوری محسوب می‌شده که سال‌ها درگیر مبارزه با استعمار بیگانه و تلاش برای استعمارستیزی بوده است. این مسئله که چپ هیچ‌گاه از سیاست مصر رخت برنسته و برنخواهد بست شاید در وهله اول امری غیرقابل قبول باشد، ولی ریشه‌های گفتمان ملی‌گرایی مصری و گذشته تاریخی مصر که به شکوه دوره ناصری و ارج نهادن آن توسط عامه پیوند خورده، دال‌های چپ را در دامن گفتمانی خود پرورانده است. این درحالی است که مبارزه با استعمار و امپریالیسم جهانی و در رأس آن غرب، مبارزه با ظالمان و حکومت‌های غاصب (اسرائیل)، ملی کردن صنایع کشور برای خلع ید بیگانگان از تسلط بر منابع کشور، طلب آزادی، عدالت و رفاه اجتماعی از اصول اندیشه چپی است که همواره آرمان کنش سیاسی گروه‌های دیگر نیز بوده و در برهه‌های حساس در کنار اقدامات ضد استعماری ناصر و مبارزه با استکبار جای داشته و کمک‌رسان بوده است؛ خواه در عرصه میدانی و یا گفتمانی. در راستای روشن شدن بحث کلی، در ذیل این نوشتار به معرفی اجمالی برخی از احزاب مهم چپ‌گرا و سوسیالیستی در مصر خواهیم پرداخت:

حزب کمونیستی مصر: «الحزب الشيوعي المصري» که در سال 1921 تأسیس شده است را می‌توان جزء قدیمی‌ترین احزاب سیاسی تاریخ مصر به شمار آورد. در اکتبر 1920، این حزب خود را نماینده به حق تمامی کارگران مصر نامید و توانست تا پایان همان سال، بیش از 1500 عضو جدید را در قاهره و اسکندریه جذب کند. این حزب بعدها جای خود را به حزب کمونیستی مصر با همین نام در سال 1975 داد. حزب کمونیستی مصر یکی از احزاب سیاسی مدرن مصر



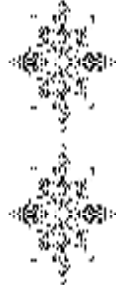
است که در سال 1975 به وسیله تعدادی از اعضای حزب کمونیست مصر سابق در دوره ریاست جمهوری سادات تأسیس گشت؛ ولی هم سادات و هم حسنی مبارک دست به سرکوب آن زدند و مانع از شرکت آنها در انتخابات و معرفی کاندیداهای خود شدند (Tareq, Said, 1990: p21). اما حزب با توجه به شرایط سرکوب و حساسیت شدید بر فعالیت‌های کمونیست‌ها در دوره رؤسای جمهوری که لیبرالیسم اقتصادی و رابطه با غرب و اسرائیل را باور داشتند تا زمان سقوط مبارک در سال 2011، به صورت زیرزمینی به فعالیت خود ادامه داد. این حزب که قرارگاهش در قاهره است، خوانشی لنینستی از مارکسیسم ایدئولوژیک را باور دارند. همچنین این حزب سعی در تشکیل جبهه‌ای واحد با عنوان اتحاد سوسیالیستی برای شرکت در انتخابات پارلمانی سال 2015 داشت که با توجه به اختلافات با گروه‌های دیگر و عدم جذب و جلب موفق طرفداران، این اتحاد دوام و موفقیت چندانی به دست نیاورد.

ظهور جریان چپ - پان عربیسم در دوره جمال عبدالناصر: به‌طور کلی آنچه که با تاروپود استقلال مصر در هم آمیخته را می‌توان گرایش به سوسیالیسم در چپ‌های ملی‌گرای ناصری دانست که عناصر ایدئولوژیک آن در ناسیونالیسم عربی، پان عربیسم و سوسیالیسم عربی که به ناصریسم نیز معروف گشته است وجود دارد. این جریان، پس از ظهور خود در دوره ناصر و تحت زمامداری وی به تشکیل اتحادیه سوسیالیستی عرب یا «الاتحاد الاشتراکی العربی» همت گماشت که به یک حزب سیاسی فراگیر بر مبنای سوسیالیسم عربی ناصریستی تبدیل شد. این اتحادیه در سال 1962 به وسیله جمال عبدالناصر به عنوان تنها حزب نظام تک حزبی که ناصر آن را باور داشت، بنیان گذاشته شد. اتحادیه سوسیالیستی عربی را می‌توان بازوی سیاسی-ایدئولوژیک و گفتمانی دید که ریشه در جنبش افسران آزاد و انقلاب 1952 مصر داشت. قرار بر این بود که این حزب بتواند زیر نظر دولت، دستور کاری را در برنامه و سیاست‌های خود برای

ملی سازی (ناسیونالیزاسیون)، اصلاحات کشاورزی و اصلاح قانون اساسی قرار دهد. به دنبال آن بانکها، مؤسسات بیمه، بسیاری از شرکت های کشتیرانی بزرگ، بخش زیادی از صنایع سنگین مصر و کارخانجات به کنترل عمومی و دولتی درآمدند که همین امر به افزایش شدید مالیات تصاعدی - حدود 90 درصد - برای ثروتمندان و احیای جایگاه کشاورزان در شورای ملی و ساختار اقتصادی مصر منجر شد. این برنامه ها به صورت ویژه ای به تبلیغ گسترده ناسیونالیسم عربی در متن- زمینه تاریخ و تمدن مصری پرداختند.

ایدئولوژی اتحادیه سوسیالیستی عرب که همان ایدئولوژی چپ گرایی ناصریستی است را می توان در چند بند خلاصه کرد: کنترل دولت بر اقتصاد ملی و بخش خصوصی، ضرورت تعقیب سیاست های ناسیونالیسم عربی و پان عربیسم، عدم پذیرش تضاد طبقاتی، لزوم پاسخگویی به مردم و حفظ ماهیت دموکراتیک نظام مصر و تعهد به دین و در عین حال آزادی اعتقاد و باور مردم از سوی دیگر و در عرصه خارجی اتحاد با شرق و مبارزه با امپریالیسم از سویی و عدم تعهد در جهت گیری سیاست خارجی از سوی دیگر. این حزب توانست در نظام تک حزبی مصر از سال 1964 تا 1976 تمامی 350 تا 360، کرسی پارلمان را از آن خود سازد (Ginat, 1997).

تحول نظام سیاسی و ایدئولوژیک مصر در دوره سادات و تغییر نظام حزبی در مصر: پس از مرگ ناصر در سال 1970 و به قدرت رسیدن انور سادات که همزمان با گردش و تغییر پارادایم در سیاست خارجی بود و تأثیرات آن در سیاست داخلی هم مشاهده می شد، مصر به لیبرالیزه کردن سیستم اقتصادی، گردش به غرب و هم پیمانی با امریکا روی آورد. سیاست درهای باز اقتصادی و فاصله گرفتن از آنچه که در دوره ناصر پدید آمده بود، یعنی دولت سوسیالیستی و اندیشه های سیاست خارجی ناصر و بحث عدم تعهد از پیامدهای این رویداد محسوب می شود. البته ناگفته نماند که سادات، میراث دار شکست در جنگ شصت روزه 1967 بود که



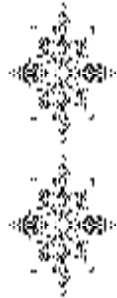
نارضایتی عمومی و کاهش مقبولیت ناصر و ناصریسم را به همراه داشت. این مسئله سبب تظاهراتی در سال 1969 در مصر و دوره‌هایی از ناآرامی سیاسی در این کشور گردید. خواسته تظاهرات کنندگان، احیای حقوق شهروندی، دموکراتیزاسیون در مصر و فاصله گرفتن از نظام تک‌حزبی و پذیرش «دیگری» و اپوزیسیون در مصر بود. متعاقب آن، انور سادات که با شعار حکومت قانون و دولت نهادمند و مسئول بر سر کار آمده بود در پولاریزه کردن نظام حزبی مصر تلاش‌هایی کرد که پیامد آن، ایجاد سه فراکسیون لیبرال‌ها، چپ‌ها و میانه‌روهایی بود که در نهایت با اعلان سادات در 22 نوامبر 1976 به احزاب سیاسی تبدیل شدند. می‌توان گفت که بیشتر احزاب سیاسی مصر از این تاریخ به بعد شروع به ظهور و رشد کردند. در سال 1977 نیز قانون انتخاباتی تصویب شد که ایجاد و تأسیس احزاب سیاسی مختلف را با قیده‌ای قانونی عدم طبقاتی بودن و دینی و منطقه‌ای نبودن به تصویب رساند؛ که نشانگر تغییر نظام انتخاباتی مصر از نظامی تک‌حزبی با حزب مسلط به چند حزبی بود. ولی شاخه مرکزی حزب اتحادیه سوسیالیستی عرب که برای سال‌ها در دوران ناصر و سادات بر عرصه سیاسی تحت ریاست ناصر و سادات به کار خود ادامه داده بود، با نام حزب دموکراتیک ملی شروع به کار کرد. این حزب تحت نظر سادات و بعدها مبارک تا زمان انقلاب، کنترل تقریباً مطلقى را بر پارلمان و سیاست مصر اعمال کرد و احزاب دیگر را به حاشیه راند؛ ولکن این بار این حزب نه یک حزب چپ‌گرا بلکه حزبی لیبرال در عرصه اقتصاد و اقتدارگرا در سیاست است (Ibid, 1997).

حزب سوسیالیست مصر (الحزب الاشتراکی المصری): این حزب نیز از احزابی است که پس از انقلاب مصر در سال 2011 و به دنبال کنفرانسی که توسط 400 تن از مصریان و سوسیالیست‌های بین‌الملل تشکیل گردید، به عنوان حزبی با ایدئولوژی سوسیالیسم دموکراتیک بنیان گذاشته شد. برخی از سران حزب، رهبران شناخته شده جنبش کفایا بودند و بعضی دیگر مانند سمیر امین از روشنفکران شناخته شده در

مصر و جهان محسوب می شدند.

حزب سوسیالیست مصر طرفدار انقلابی درازمدت و دامنه دار بود و انقلاب ژانویه را تنها آغاز راه این حرکت دسته جمعی می دانست. علاوه بر مشارکت فعالانه در جنبش های مدنی و تظاهراتی که در میدان تحریر برگزار شد، این حزب طرفدار دفاع از حقوق اقلیت ها، اتحادیه های تجاری مستقل، مسائل زیست محیطی و حقوق زنان بوده است. هم چنین چندین بار در اتحادها و ائتلاف های سوسیالیست ها برای شرکت در انتخابات پارلمانی وارد شد، ولی پس از مدتی از تمامی آنها کناره گیری کرد و به صورت منفرد و به عنوانی حزبی کوچک، بدون کسب حتی یک کرسی در پارلمان به کار خود ادامه داد (www.jadaliyya.com, 3150).

حزب اتحاد سوسیالیستی مردمی: این حزب، یکی از احزاب چپ مصری است که پس از انقلاب ژانویه 2011 بنیان گذاشته شد. اعضای آن را بسیاری از گروه های چپ گرای مصری تشکیل می دهند که در گذشته در حزب تجمع گرد آمده بودند (حزب تجمع، تنها حزب چپ رسمی در دوره زمامداری مبارک بود). آنان بر سر موقعیت و جایگاه حزب در انتخابات پارلمانی رژیم سابق دچار دو دستگی شده و از عضویت در حزب تجمع استعفا داده بودند (Samak, 12 May 2011). حزب اتحاد سوسیالیستی مردمی به طور رسمی در سوم سپتامبر 2011 به رسمیت شناخته شد که یکی از مؤسسين حزب با نام فتحی غریب به دلیل استفاده نیروهای امنیتی از گاز اشک آور در درگیری های نوامبر 2012 میدان تحریر کشته شد. یکی دیگر از اعضا نیز در ژانویه سال 2015 توسط پلیس مصر در قاهره به قتل رسید (Daily Mail Online, 25 January 2015). در نوامبر سال 2013، صدها تن از اعضای حزب به دلیل مخالفت با همراهی کردن با سیاست های دولت استعفا دادند که اگرچه این استعفاها توسط رهبر حزب یعنی عبدل غفار شکر رد شد، ولی اعضای سابق آن به تأسیس حزب نان و آزادی در اواخر نوامبر 2013 اقدام کردند (Ahram Online, 25 November 2013) و به طور



واقعی از حزب جدا شدند. ایدئولوژی حزب اتحاد سوسیالیستی مردمی (حزب التحالف الشعبی الاشتراکی)، سوسیالیستی و ضد سرمایه‌داری و مقرر آن در قاهره است. همچنین از دولت انتقالی و اقدامات نظامیان حمایت کرده و در عرصه اقتصادی نیز خواهان توزیع ثروت و توسعه است. همین حزب نتوانست در انتخابات پارلمانی هیچ کرسی‌ای را از آن خود سازد.

حزب الکرامه: این حزب که از احزاب ناصریستی و چپ مصر است، توسط حمدین صباحی در سال 1996 بنیان گذاشته شد. الکرامه اگرچه در جبهه نجات ملی برای برکناری و مقابله با سیاست‌های مرسی حضور داشت، ولی نتوانست در انتخابات پارلمانی هیچ کرسی‌ای را از آن خود سازد.

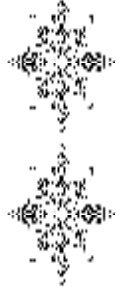
حزب سوسیال دموکراتیک مصری: «الحزب المصری الیدیمقراطی الاجتماعی» یک حزب لیبرال - سوسیالیستی با گرایش سوسیال دموکراتیک در مصر است که پس از انقلاب ژانویه به وسیله ادغام دو حزب لیبرال کوچک یعنی حزب مصر دموکراتیک و حزب لیبرال مصری بنیان گذاشته شد (Hürriyet Daily News, 30 March 2011).

از مؤسسان این حزب می‌توان از محمد ابو الغر، فیلم‌ساز سینما، داوود عبدال السید، فعال سیاسی، عمر حمزاوی، مروات طلاوی، حازم الببلاوی نماینده سابق کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد نام برد. همچنین این حزب در آگوست 2012، عضو مشورتی انترناسیونال سوسیالیستی شد و مهم‌ترین حضورش رقابت در انتخابات شورای مشورتی به صورت بخشی از اتحاد و ائتلاف بلوک مصری همراه با حزب «تجمع» و کسب موفقیتی نسبی بود (Carnegie, 29 September 2012).

موفق‌ترین احزاب مصری با گرایش چپ دانست، این در حالی است که پس از کودتای سال 2013، پست نخست‌وزیری به زیاد بهاء‌الدین پیشنهاد گردید که با مخالفت یونس مخیون رئیس حزب نور و البرادعی به عنوان کسانی که از یک ائتلاف واحد (جبهه نجات ملی) نشأت گرفته‌اند، منتفی گردید؛ اگرچه، بعدها

حازم الببلاوی در نهم جولای همان سال به سمت نخست‌وزیری رسید. مسئله قابل توجه در این جریان، تعلیق عضویت حازم الببلاوی در حزب، بلافاصله پس از احراز سمت نخست‌وزیری از سوی خودش بود (USA Today, 9 July 2013). همچنین وی موفق به کسب چهار کرسی در انتخابات پارلمانی سال 2015 مصر گردید و خود را جزء احزابی که وارد قاعده بازی سیاست رسمی مصر شدند و توانستند روی بخشی از روند تصمیم‌گیری مؤثر باشند، مطرح کرد.

حزب وحدت‌گرای ملی تجمع: حزب «التجمع الوطني التقدمی الوحدوی» یکی دیگر از احزاب چپ تأثیرگذار سوسیالیستی مصر است که با همان نام اختصاری «تجمع» شناخته می‌شود. این حزب در سال 1977، پس از به رسمیت شناخته شدن فراکسیون‌های حزبی از میان حزب اتحاد سوسیالیستی عرب در فراکسیون چپ پدید آمد. همچنین از دوره ناصر به عنوان تنها حزب موجود در عرصه سیاست مصر فعالیت داشت و حزبی مسلط محسوب می‌شد. حزب تجمع علاوه بر داشتن رسانه و روزنامه «الاهالی» برای ترویج ایدئولوژی و آرای خود، سوسیالیسم دموکراتیک و ملی‌گرایی از دیدگاه چپ یعنی مبارزه با استعمار و امپریالیسم را باور داشت و توانست در انتخابات پارلمانی سال 2015، دو کرسی را در مجلس نمایندگان از آن خود سازد. این حزب را مدافع آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب 1952 مصر می‌شناسند؛ چرا که همواره برای حفظ دستاوردهای انقلاب از تلاش لیبرال‌ها جهت معکوس کردن حقوق کارگران، تهی‌دستان و طبقات پایین جامعه می‌کوشد. خالد محی‌الدین، رهبر حزب یکی از افسران آزاد سابق بوده که در میان گروه‌های مصری دارای اعتبار است و در شورای عالی فرماندهی نظامیان مصر نیز عضویت دارد. وی اکنون جای خود را به «عبدل آل» داده است. این حزب در واقع ادامه همان اتحاد سوسیالیستی عربی در دوره ناصر است که به شیفت پارادایمی پس از انشعاب‌های گسترده و تحت تأثیر سیاست «اصلاحات از بالای» سادات تن نداده و می‌توان گفت بیشترین نزدیکی را به افکار و اندیشه‌های ناصر داشته است. حزب تجمع در زمان مبارک نیز



در عرصه سیاست، خواه با بایکوت کردن و افشاگری‌ها در انتخابات ریاست جمهوری سال 2005 و خواه با حضور و کسب کرسی در انتخابات قانون‌گذاری فعالیت داشته است و پس از انقلاب نیز علاوه بر حمایت از آرمان‌های انقلاب، اصول و مرام نامه خود را مخالفت با تندروهای مذهبی، ساختن هویت مصری قدرتمند با احیای ایده شهروندی فعال، تلاش برای پایان دادن به انحصار حکومت بر رسانه‌ها، مسائل محیط زیستی و تلاش در جهت آگاه کردن جامعه، توده‌ها و توسعه صنایع مصر قرار داد.

سوسیالیست‌های انقلابی مصر: حزب «لاشتراکیون الثوریون» که بر مبنای سنت تروتسکیستی «انقلاب از پایین» شکل گرفته یکی دیگر از احزاب چپ انقلابی - تروتسکیستی است. این حزب که در سال 1995 تأسیس شده، دارای روزنامه سوسیالیست است و مؤسس احزاب دیگری مانند حزب دموکراتیک کارگران مصر و ائتلاف نیروهای سوسیالیستی محسوب می‌شود. با توجه به سرکوب‌های دوره مبارک به صورت زیرزمینی به فعالیت خود ادامه داد، ولی مواضع آنها در حمایت از انتفاضه، آزادی اراضی اشغالی و ملت فلسطین توانست آن را به نهضتی مردمی بدل کند. سوسیالیست‌های انقلابی به شدت با دولت و گروه‌های اسلام‌گرا مخالف هستند. آن‌گونه که «مارک ل وین» ادعا می‌کند سوسیالیست‌های انقلابی نقش بسیار مهمی را در سازماندهی تظاهرات منجر به انقلاب سال 2011 در مصر در هم‌پیمانی با جنبش جوانان 6 آپریل با توجه به تجربیات فراوان در سال‌ها فعالیت مخفی و ضد اطلاعاتی حزب، برعهده داشتند و پس از مبارک نیز در جنبش کارگران نقش بی‌بدیل را ایفا می‌کنند (Al Jazeera, 10 May 2011). پس از سقوط مبارک، این حزب خواستار انقلاب مستمر و تغییر گفتمان انقلاب 25 ژانویه به انقلاب کارگران علیه حکومت سرمایه‌داری بود. آنها بر این باورند که طبقه کارگر و مستضعفان، بازیگران کلیدی در برپایی تظاهرات میدان تحریر و سقوط مبارک بودند، همچنین نقش اخوان پس از انقلاب را به مثابه گروهی ضد انقلابی

می‌دانند. آنها خواهان برکناری نظامیان از سیاست، انحلال شورای عالی نظامی و عوامل رژیم سابق بودند و مخالفت شدید خود را با قانون تصویب شده توسط شورا در 24 مارچ سال 2011، مبنی بر غیرقانونی اعلام کردن اعتصابات اعلام کردند (Ahram Online, 24 March 2011). سوسیالیست‌های انقلابی همچنین به همراه بسیاری از گروه‌ها و احزاب چپ مصر به دنبال تأسیس حزب کارگران پس از سقوط مبارک برآمدند. هدف این حزب که حزب دموکراتیک کارگران نامیده می‌شود عضویت کارگران به عنوان بازیگران و هسته مرکزی و اصلی حزب در کنار عده‌ای از روشنفکران چپ بوده است؛ هر چند تأسیس احزاب بر مبنای طبقه هنوز هم طبق قانون اساسی مصر، ممنوع و غیرقانونی است. سوسیالیست‌های انقلابی در عرصه سیاست مصر نیز بسیار فعالانه عمل کرده‌اند. یکی از اقدامات اعتراضی دیگر آنها، مخالفت با قانون ضد تظاهراتی بود که توسط حکومت انتقالی در سال 2013 تصویب شد. از فعالیت‌های دیگر این حزب، تلاش در جهت تأسیس جنبش‌های چپ و همگرایی چپ‌ها در سیاست مصر از جمله تأسیس سازمان جبهه راه انقلاب و جنبش سوسیالیست‌های انقلابی بوده است. سوسیالیست‌های انقلابی با اصلاحات قانون اساسی مصر در سال 2014 با مطرح ساختن این مسئله که قانون اساسی، دست نظامیان را برای مداخله هرچه بیشتر و سلطه بر نظام سیاسی و قضایی مصر باز گذاشته و باعث پیگردهای امنیتی و امنیتی‌تر شدن فضا توسط نظامیان و از بین رفتن آزادی‌های مدنی شهروندان می‌شود، مخالفت کردند (Ahram Online. 9 January 2014). علاوه بر اینها، به باور این گروه، قانون اساسی جدید توان صیانت از حقوق کارگران و آزادی‌های مدنی را ندارد.

در عرصه بین‌الملل نیز مواضع ضد جنگ و ضد امپریالیستی راهنمای این گروه بود که از جمله آنها، می‌توان به حمایت از حزب‌الله لبنان در جنگ 33 روزه آنان با اسرائیل اشاره کرد که شکست اسرائیل را پیروزی جبهه ضدجنگ و ضد

سلطه در جهان می‌دانست. این گروه به داشتن مواضع ضد امریکایی و ضد صهیونیستی در قالب پارادایم کلی نبرد با امپریالیسم جهانی از جمله تلاش در جهت ایجاد آلترناتیو سوسیالیستی انقلابی برای نبرد با صهیونیست‌ها و امپریالیسم شناخته شده است.

اتحادها و ائتلاف‌های چپ‌ها در مصر پس از انقلاب ژانویه

اتحاد چپ‌ها: اتحاد چپ‌ها در واقع اتحادی از احزاب سیاسی چپ مصر است که در انتخابات پارلمانی سال 2015 برای کسب کرسی‌های پارلمان به رقابت پرداختند؛ هر چند قرار بر این شده بود که هر کدام از احزاب، جداگانه به فعالیت‌های خود بپردازند. هدف این اتحاد موقتی که شامل حزب تجمع، حزب اتحاد سوسیالیستی - مردمی، حزب کمونیست مصر، حزب دموکراتیک کار و حزب سوسیالیست مصر می‌شد - همان‌طور که جیجی ابراهیم، فعال سیاسی بیان کرده است - تلاش در جهت جبهه‌ای واحد برای تأثیرگذاری بر سیاست مصر و حضوری قدرتمند و متحد از احزاب سوسیالیستی منفک از یکدیگر و ایجاد ائتلاف فراگیر با تمامی احزاب سوسیالیست مصری بوده است. این ائتلاف در گام اول خود توانست نیروهای خود را برای حضور در میدان تحریر و حمایت از انقلاب مصر و اتحاد سیاسی حول محور اهداف انقلاب بسیج کند (Ahram Online, 11 May 2011)؛ اگرچه حمزوی بعدها از حزب جدا شد و حزب مصر آزاد را در همان سال تأسیس کرد.

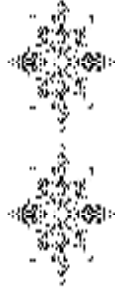
ائتلاف عدالت اجتماعی: یکی دیگر از ائتلاف‌های مهم گروه‌ها، سازمان‌ها و احزاب چپ‌گرای مصر، تشکیل ائتلاف عدالت اجتماعی در جولای 2014 بود که شامل 27 حزب و جنبش مختلف اجتماعی - سیاسی می‌شد. این ائتلاف در راستای اقدام مشترک برای کسب کرسی‌های پارلمان در انتخابات 2015 تشکیل گردید. اما حزب کمونیست مصر، حزب توسعه و برابری و حزب کنانا از این اتحاد جدا شدند؛ از این رو تقریباً هیچ کدام از اعضای این ائتلاف نتوانستند در انتخابات

پارلمانی 2015 توفیقی کسب کنند (Daily News Egypt, 1 September 2014).

ائتلاف دموکراتیک انقلابی: تلاش در جهت گردآوری نیرو برای بسیج گسترده منابع به وسیله چپ‌ها منجر به تشکیل ائتلاف دموکراتیک انقلابی گردید که تلاش‌شان در راستای اتحاد هرچه بیشتر چپ‌ها برای ایجاد سلطه بر پارلمان بوده است. این ائتلاف که بیشتر، ائتلافی محدود به انتخابات بود در اواخر سال 2012 با تجمیع نیروهای رادیکال و احزاب سوسیالیستی و کمونیستی تشکیل و در سال 2015 منحل گردید.

تضعیف ساختار سیاسی حزبی پس از کودتا

اعلام نقشه راه انتقالی در جولای 2013: مسئله بسیار مهم دیگر، تضعیف ساختار سیاست حزبی پس از کودتای سال 2013 و به قدرت رسیدن سبسی است. ساختار نظام انتخاباتی مصر یکی از عرصه‌هایی بوده که می‌توانست به گذار دموکراتیک مصر یاری برساند. در حالی که پس از انحلال پارلمان از سوی شورای عالی قانون اساسی در مصر در سال 2012، می‌توان گفت که تقریباً تمام قدرت قانون‌گذاری تا زمان برگزاری انتخابات، در شخص رئیس‌جمهور و در آن نهاد تجمیع یافت و این مسئله به ناتوانی جریان سیاسی سالم و کارآمد و دولت‌سازی پس از انقلاب منجر شد. پس از اعلام نقشه راه انتقالی در جولای 2013 و انتخاب عدلی منصور برای فراهم کردن زمینه اصلاح قانون اساسی و برگزاری رفراندوم و در نهایت انتخابات، مشخص شد که اصلاحات 33 ماده‌ای قانون اساسی، راهی جهت اصلاح ساختار مصر و گذار دموکراتیک فراهم نکرده است. این سند نوعی زد و بند سیاسی را درون خود نهفته داشت، که ممنوعیت احزاب اسلام‌گرا و در رأس آن اخوان‌المسلمین از حضور در عرصه سیاسی از یک‌سو و دادن پاداش وفاداری به ارتش و کودتا توسط سلفی‌های حزب نور و عدم ممنوعیت آنها از سوی دیگر و بازگذاشتن دست ارتش در مسئله بودجه و مسائل کلان نظامی، امنیتی و دفاعی و عدم توجه به مجلس عالی مشورتی شورا و انحلال آن از سوی عدلی منصور از نقاط تیره این مسئله است. اگرچه در این



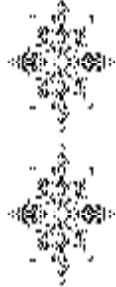
سند اصلاح به اقلیت‌های مذهبی و قبطی‌ها، زنان و گروه‌های سکولار توجه شده، ولی از پرداختن به بسیاری از مسائل از جمله آزادی‌های مدنی، گروه‌های اپوزیسیون، چاپ‌گراها، آزادی رسانه‌ها و آزادی بیان و مسائل حقوق بشری و بحث آشتی ملی فراگیر و بسیاری از مسائل مهم که نیازمند ایضاح و آشکاری جهت قانونمند شدن گذار دموکراتیک بود، سخنی به میان نیامد؛ این در حالی است که بسیاری از گروه‌های اسلام‌گرا و مخالفین و در رأس آنان اخوان، این اصلاحات را کودتای ضد قانون اساسی مصر نامیدند (Carnegie, July 2013).

تضعیف نظام حزبی توسط سیسی، مواضع احزاب سیاسی و درس‌های انتخابات پارلمانی مصر: ساختار نظام انتخاباتی مصر دو مرحله‌ای است و بر طبق آن، 14 استان در روز 22 و 23 مارچ رأی خود را به صندوق‌ها خواهند ریخت و 11 استان باقی مانده شامل قاهره سه روز پس از آن، اقدام به رأی‌گیری خواهند کرد. پارلمان کنونی مصر که 567 کرسی دارد، شامل 420 نماینده مستقل، 120 نماینده حزبی و 27 نفر منصوب شده توسط ریاست‌جمهوری است؛ که از این میان، 24 کرسی به مسیحیان قبطی، 16 کرسی به جوانان و 8 کرسی به افراد معلول تعلق دارد. مسئله‌ای که انتخابات سال 2012 پارلمانی را از انتخابات سال 2015 متفاوت و متمایز کرده این است که اولاً انتخابات به صورت یک مرحله‌ای یعنی انتخاب مجلس قانون‌گذاری به جای انتخاب مجلس علیا و سفلی برگزار می‌شود، مهم‌تر از همه اینکه رئیس‌جمهور سیسی، یک قانون انتخاباتی در ماه دسامبر به تصویب رساند که بر طبق آن علاوه بر افزایش مناطق رأی‌گیری (Ahramonline, 22, December 2014)، تعداد افرادی را که توسط احزاب برای کسب کرسی پارلمان کاندید می‌شدند از دو سوم به یک‌سوم کاهش داده است (www.elections.eg, No.46/2014).

این اتفاق مهم به این معناست که در پارلمان کنونی مصر، احزاب تنها می‌توانند یک سوم از کرسی‌ها یعنی 166 عدد را از آن خود سازند در حالی که در انتخابات سال 2012 این میزان برای احزاب، 332 نفر بود. این مسئله چراغ سبزی برای

طرفداران سیسی محسوب می‌شد که می‌توانستند به صورت منفرد از سوی ارتش و نهادهای تابعه و همسو با آن معرفی گردند. همچنین خشی کردن نقش احزاب برای به دست آوردن اکثریت در پارلمان، نظام حزبی را دچار خدشه و ضعف کرد و جلوی فعالیت سازماندهی شده حزبی را گرفت. در واقع، قانون جدید انتخابات، سبب سلطه افراد وابسته فاقد پشتوانه قدرتمند سیاسی برای تبدیل شدن به یک اپوزیسیون قدرتمند می‌گردد؛ افرادی که برای جلب حمایت ارتش و شخص سیسی برای ماندن در قدرت با یکدیگر رقابت خواهند کرد و با توجه به پرهزینه بودن پروسه تبلیغات انتخاباتی، وام‌دار بورژوازی و ثروتمندان وابسته به رژیم خواهند شد. از زمان به قدرت رسیدن سیسی در مصر، طرفداران او سعی کردند که وی را چهره‌ای فراحزبی و مردمی در انتخابات نشان دهند؛ بدین ترتیب سیسی را رهبری مردمی و شخصی فراجناحی بدون هیچ‌گونه گرایش حزبی و منجی‌ای که مصر را از افراط‌گرایی نجات داده است، معرفی کرده‌اند. سیسی نیز بارها به این مسئله اشاره کرده است که حمایتش را تنها و به صورت مستقیم از مردم مصر می‌گیرد و هیچ علاقه‌ای به دیدار رهبران احزاب سیاسی تا ژانویه 2015 (یعنی هفت ماه پس از به قدرت رسیدنش) از خود نشان نداده و حتی در این دیدار نیز او حاضر به پاسخ دادن به درخواست رهبران احزاب برای اصلاح قانون جدید انتخابات - که توسط وی اعلام شده بود - و آزادی زندانیان سیاسی و نیروهای سکولار دریند نشد (Ahramonline, 11 January 2015).

واضح است که ائتلاف لیبرال‌ها، چپ‌ها و ناسیونالیست‌های عرب (ناصریست‌ها) در قالب جبهه نجات ملی که با هدف احیای اهداف انقلاب و سرنگون کردن مرسی تشکیل شده بود سبب افزایش قدرت ارتش و نظامیان و تعلیق قانون در شرایط اضطراری گردید و در پی آن، با اصلاحات دولت انتقالی منصور در پیوند با نظامیان، پایانی برای فعالیت مؤثر احزاب در مصر محسوب می‌شد. این مسئله در نامه 18 حزب سیاسی که در ائتلاف جبهه نجات ملی هم



حضور داشتند، بازتاب پیدا کرد؛ شرایطی که به گفته آنان با توجه به اینکه 80 درصد پارلمان در دست افراد مستقل است، دیگر هزینه کردن برای انتخابات با توجه به محدودیت شدید منابع مالی کار عاقلانه‌ای به نظر نمی‌رسد (carnegieendowment.org, April 21, 2015). در کنار مشکلات مالی و انشعاب‌های گسترده، افزایش حملات به احزاب مخالف از سوی رسانه‌های طرفدار حکومت، سرکوب شدید جامعه مدنی و تقدیس سیسی و قهرمان ساختن از وی به عنوان ناجی مصر سبب کاهش مقبولیت و توان مانور احزاب سیاسی مخالف شده است. از سوی دیگر، بسیاری از احزاب قدیمی مصری همانند حزب وفد دچار اختلافات شدیدی شده و مانند سایر گروه‌ها و احزاب چپ و سکولار اپوزیسیون به حاشیه رفته‌اند (carnegieendowment.org, July 23, 2015).

همچنین این انتخابات شاهد عدم حضور معنادار احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا به دنبال انحلال اخوان المسلمین و اعلام آن به عنوان سازمانی تروریستی در دسامبر 2013 و انحلال بازوی سیاسی آن یعنی حزب عدالت و آزادی در آگوست سال 2014 بود. پس از آن، حزب اسلام‌گرای استقبال نیز در سپتامبر همان سال منحل می‌گردد و سایر احزاب اسلام‌گرا مانند حزب مصر قدرتمند و حزب توسعه و سازندگی که از تیغ حذف و انحلال پس از کودتا در امان مانده بودند، به بایکوت انتخابات روی آوردند. تنها استثنای حضور اسلام‌گراها، حزب سلفی نور هم‌پیمان با کودتاچیان و ارتش بوده است. همچنین این انتخابات از سوی بسیاری از احزاب لیبرال و چپ مخالف نیز به دنبال قتل شایما السباق توسط نیروهای امنیتی و در اعتراض به سرکوب شدید مخالفان بایکوت گردید که از جمله آنها می‌توان حزب الدستور، اتحاد سوسیالیستی مردمی، جریان مردمی مصری، حزب مصر آزاد، حزب عدالت و حزب نان و آزادی را نام برد. برخی احزاب دیگر مانند حزب کرامه ترجیح دادند که تنها با کاندیداهای مستقل در انتخابات شرکت کنند (carnegieendowment.org, February 24, 2014). ولی

برگزاری انتخابات در سال 2015 نشان از بی‌تأثیر بودن این بایکوت‌ها برای گرفتن امتیازات سیاسی بوده و به احزاب، این مسئله را ثابت کرده است که دیگر نمی‌توانند پیش‌رانه‌های انتخابات و جریان‌ساز کنش‌های سیاسی معنادار و تأثیرگذار باشند؛ مگر اینکه به گونه‌ای به قاعده بازی تعیین شده تن دهند و از درون به ایجاد تغییرات مؤثر اقدام کنند؛ وگرنه توان بسیج اجتماعی چندان را به عنوان کارت بازی سیاسی در چانه‌زنی‌های عرصه سیاست در حکومتی که پشتیبانی کامل نظامیان را دارد، نخواهند داشت.

مقاله حاضر در نظر دارد به بررسی جریانات و احزاب سیاسی چپ در مصر و امکان‌سنجی قابلیت آنها برای ورود معنادار به عرصه سیاست در مصر و قدرت گرفتن گفتمان آنها که عموماً گفتمانی ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی است پردازد. مسئله دیگر، پیشینه این احزاب و گروه‌ها است که در واقع از دهه دوم قرن بیستم در مصر فعال بوده، از سیاست ناصریسم حمایت کرده، در دوره وی نیز هم‌پیمانش بودند و شاخه ناصریستی آن مقبولیت بسیاری در میان مردم داشته است. البته ذکر این نکته لازم است که با توجه به مسائل مطرح شده، عدم گذار دموکراتیک پس از انقلاب، سیاست امنیتی کنونی و ضعف ساختارهای سیاسی-اقتصادی مصر یکی از موانع ظهور قدرتمند احزاب در سپهر سیاست و تصمیم‌گیری‌های کلان مصر بوده که با توجه به قانون جدید انتخابات در سال 2014 که از سوی سیسی اعلام گردید، مشکلات پیش‌روی احزاب را به دلیل کاهش محسوس کرسی‌های پارلمان برای آنها دو چندان کرده و خواهد کرد. با این حال برای شناخت و تحلیل بهتر سیاست مصر، شناخت جریان‌های سیاسی و گروه‌بندی‌های ایدئولوژیک و متعاقب آن حزبی امری ضروری است.

شرایط کنونی در مصر و وضعیت کنش سیاسی احزاب

به طور خلاصه باید گفت که ثمره تمامی ائتلاف‌ها، چیزی جز شکست کامل

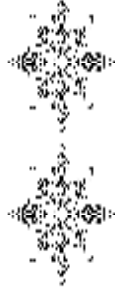
سوسیالیست‌ها و چپ‌گرایان در مصر نبوده است. در واقع، خواسته تغییر دموکراتیک زمانی بروز یافت که مکانیزم‌ها و سازوکارهای تغییر در نامشخص‌ترین وضعیت خود به سر می‌برد و جای تعجب نیست که در پی آن، توجهات به انواع کمتر سازماندهی شده اعتراض جلب شود. این مسئله در مصر شاید به دلیل دید منفی مردم به احزاب قانونی به مثابه نیروهایی شکست خورده و ناکارآمد در عرصه تغییر و اصلاح اتفاق افتاده است. برخی حتی اخوان المسلمین را هم سازمان یافته‌تر از احزاب دیگر و گروه‌های چپ و لیبرال می‌دانستند، که البته آنها هم بینش خاصی نسبت به سازوکار اداره سیاست و کشورداری نداشتند. چرخش به سمت کنش سیاسی رهایی‌بخش، کمتر سازماندهی شده و مردمی در منطقه الفراع یک آلترناتیو سیاسی قدرتمند را می‌توان ثمره کنش سیاسی فعال جوانان 6 آپریل و جنبش‌های کارگری دانست که سعی در تحرک بخشیدن به جامعه مدنی مصر داشته‌اند که در نهایت، سبب شکنندگی و عدم شفافیت در سپهر سیاسی مصر گردید. با در نظر گرفتن نتیجه بررسی احزاب چپ در نگاه اول می‌توان پی برد که شکنندگی این احزاب، اختلاف‌های جدی داخلی و انشعابات، بسیار گسترده است. همچنین بسیاری از این احزاب نه تنها نقشی در انقلاب نداشته‌اند، بلکه پس از انقلاب 25 ژانویه ظهور کردند و فاقد ساختارهای محکم حزبی و تشکیلات قدرتمند برای جلب حمایت عمومی و بسیج منابع هستند. مسئله قابل توجه بعدی این است که بسیاری از این احزاب موفق به حضور در پارلمان نشده و به حاشیه رانده شدند. در نهایت، شکست ائتلاف‌ها، اتحاد گروه‌ها و احزاب چپ و عدم توفیق آنها در جذب منابع مالی به همراه قانون جدید انتخابات مصر مصوب 2014 که حضور احزاب را در پارلمان به یک سوم کاهش داده است خود از عوامل تأثیرگذار در عدم توفیق احزاب چپ به شمار می‌آید. ایدئولوژی چپ در مصر به دلیل وضعیت نابسامان اقتصادی و فقر توده‌های عظیم مردم و بیکاری جوانان، به همراه حفظ اعتبار خود در

همراهی با مردم و نزدیکی به اندیشه‌های جمال عبدالناصر و ناصریسم، پتانسیل تأثیرگذاری از درون در نظام سیاسی مصر خواهد داشت و مانند آلترناتیو غیرقابل حذف، توان بسترسازی به وسیله شخصیت‌های وجیه‌المله‌ای مانند حمدان صباحی را داراست. این مسئله مهم می‌تواند با سازمان‌یابی دوباره احزاب سیاسی چپ و گروه‌های تابعه آنها و بسترسازی در بلندمدت، سبب افزایش توان برای حضور جدی در سیاست‌های کلان مصر و ایجاد گفتمان‌سازی ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و مردمی و دست گذاشتن بر مسائل اقتصادی و ارائه برنامه اقتصادی کارآمد با مفصل‌بندی جدید برای جلب جوانان و مردمی شود که در حال حاضر از عرصه سیاست مصر پس از کودتا کنار گذاشته شده است.

ادغام احزاب کوچک‌تر در احزابی مانند حزب سوسیال دموکراتیک مصر، تجمع و یا الکرامه و تشکیل یک حزب با یک فراروایت همه شمول درون پارادایمی می‌تواند توان تشکیلاتی، پایگاه مردمی و بسیج منابع توسط احزاب چپ را افزایش دهد و به تقویت آن به مثابه یک حزب فراگیر قدرتمند و دارای آلترناتیو سیاسی منجر شود که به نوبه خود وزن سیاسی-اجتماعی چپ‌ها را افزایش خواهد داد.

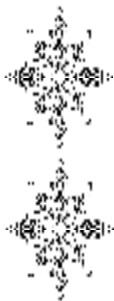
نتیجه‌گیری

در حال حاضر، با توجه به تحولات مصر، شکست آرمان‌های انقلاب 25 ژانویه، بی‌ثباتی سیاسی و وضعیت وخیم اقتصادی از سویی و بی‌اعتباری اخوان و بی‌اقبالی به نهضت‌های اجتماعی مانند جنبش جوانان ششم آوریل و در یک کلمه عدم گذار دموکراتیک، نهادینه شدن دموکراسی و نهادهای دموکراتیک قدرتمند و ساختارهای عقیم دموکراتیک در کنار عواملی مانند ضعف ساختارهای حزبی و نهادهای دموکراتیک و یا فقدان آنها، تضعیف گفتمان اسلام‌گرایان و کاهش شدید اعتبار و مقبولیت آنها به ویژه شاخه اخوان‌المسلمین و غیرقانونی شدن آن،



سرخوردگی جوانان و عدم توان کنش انقلابی در شرایط پسا کودتا و ناامیدی از تغییرات و اصلاحات گسترده، انشعاب‌های درون حزبی گسترده و ضعف شدید جامعه مدنی، آنچه که برای مصر باقی مانده چرخش به سمت پوپولیسم از سوی ارتشیان و شخص سبسی در سیاست کلان مصر است. در حال حاضر مصر دچار شرایط سرکوب دولتی است که با پوپولیسم پیوند خورده و قدرت تقدیس یافته‌ای است که با سرمایه‌داری کلان حمایت شده است. این کشور از نظر بین‌الملل نیز به وسیله رژیم‌های واپس‌گرای منطقه و امریکا حمایت شده است و از سوی دیگر با سرکوب آزادی‌های مدنی و انحصار رسانه‌ای سعی در جلب و جذب توده مردم به سوی خود و برکشیدن سبسی به عنوان منجی مصر و انقلاب آن دارد. پذیرش ضمنی این مسئله توسط توده‌ها شاید ریشه در سرخوردگی از دموکراسی و اندیشه انقلاب و کنش رهایی‌بخش و دیگری ریشه در اقتصاد داشته باشد که به نوبه خود در صورت کارآمدی، ثبات و بهبود وضعیت اقتصادی برای سبسی، مشروعیت و مقبولیت را نیز در میان مدت به ارمغان خواهد آورد.

در حال حاضر با توجه به شرایط موجود به نظر می‌رسد که تقویت جامعه مدنی در بلندمدت و گفت‌وگوهای غیررسمی و غیردولتی توسط اپوزیسیون از یک سو، و از سوی دیگر پتانسیل چپ‌گراها و سوسیالیست‌ها با پرهیز از انشعاب‌ها برای حضور در پارلمان آینده مصر در صورت اتحاد و ادغام در یک حزب سوسیالیست فراگیر تحت رهبری چهره شناخته‌شده‌ای مانند حمدین صباحی و تلاش در راه مبارزه درون رژیم به جای مبارزه با رژیم حاکم می‌تواند به بازتر شدن فضا، افزایش قدرت چانه‌زنی چپ‌ها و حفظ و احیای آرمان‌های انقلاب مصر یاری رساند.





منابع

منابع فارسی

- ساندرز، دیوید (1390)، *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*، چ 2، تهران: ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- آلتوسر، لویی (1387)، *ایدئولوژی و سازوگرهای ایدئولوژیک دولت*، ترجمه روزبه صدرا، چ 1، تهران: نشر چشمه.
- قوام، عبدالعلی و مهدی المیر (1393)، «ارائه یک مدل تحلیلی برای بررسی شکاف دولت ملت» (الگویابی روابط بین دولت و جامعه)، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س 10، ش 1، زمستان.

منابع لاتین

1. Andrea Teti & Gennaro Gervasio, "The Unbearable Lightness of Authoritarianism: Lessons from the Arab Uprisings", *Mediterranean Politics*, 2011.
2. Shadi, Hamid, Is There an Egyptian Nation? Brookings Institution Article, December \$, 2012 [http:// www.brookings.edu/research/articles/2012/12/04-egyptian-nation-hamid](http://www.brookings.edu/research/articles/2012/12/04-egyptian-nation-hamid) Retrieved in, February 1, 2016.
3. Mohamed Younis, Egyptian's Views of Government Crashed Before Overthrow, Gallup, August 2, 2013.
4. Bob Tortora, Mohamed Younis, Egyptians' Approval of Leadership Multifaceted Gallup, January 15, 2014 http://www.gallup.com/poll/166832/egyptians-approval-leadership-multifaceted.aspx?g_source=COUNTRY_EGY&g_medium=topic&g_campaign=tiles.
5. Mohamed Younis, Egyptians' Views on Life, Economy Starting to Rebound, Gallup, October 3, 2014 http://www.gallup.com/poll/177842/egyptians-views-life-economy-starting-rebound.aspx?g_source=COUNTRY_EGY&g_medium=topic&g_campaign=tiles.
6. www.Havardpolitics.com/hprgument-posts/Egypt-military-part-I.
7. www.Havardpolitics.com/hprgument-posts/Egypt-military-part-II.
8. Key takeaways from our Egypt survey by Richard Wike, May 22, 2014, <http://www.pewresearch.org/fact-tank/2014/05/22/key-takeaways-from-our-survey-of-egypt>.
9. Sisi ratifies Egypt electoral constituencies law, Ahramonline, Monday 22, December 2014, <http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/118608/Egypt/Politics-/Sisi-ratifies-Egypt-electoral-constituencies-law.aspx>.
10. Decree-Law of the President of the Arab Republic of Egypt, No.46/2014; On Promulgating the Law on the House of Representatives, <https://www.elections.eg/images/pdfs/laws>

- /HouseOfRepresentatives2014-46_en.pdf.
11. Sisi invites Egypt's political parties for dialogue Monday, Ahramonline, 11 January 2015, <http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/120043/Egypt/Politics-/Sisi-invites-Egypt's-political-parties-for-%E2%80%8Edialogu.aspx>.
 12. A Return to the Mubarak System, Carnegie Endowment for International Peace, April 21, 2015, <http://carnegieendowment.org/sada/2015/04/21/return-to-mubarak-system/i7iv>.
 13. Egypt's Parties Face Marginalization Once Again, Carnegie Endowment for Peace, July 23, 2015, <http://carnegieendowment.org/sada/?fa=60824>.
 14. Egyptian Political Parties and Movements, Carnegie Endowment for Peace, February 24, 2014, <http://carnegieendowment.org/2014/02/24/parties-and-movements/h1pm>.
 15. Lisa Anderson, "Demystifying the Arab Spring; Parsing the Differences Between Tunisia, Egypt, and Libya" Foreign Affairs, May/June 2011, Op.Cited.
 16. Noha, Mellor, "Who Represents the Revolutionaries? Examples from the Egyptian Revolution 2011", Mediterranean Politics, Vol. 19, No. 1, 82-98, 2014, Op.cited.
 17. Karl, Marx" The Eighteenth Brumaire of Louis Napoleon, Translated by D.D.L. Op.Cited
 18. Ismael, Tareq Y., and Rif'at Sa'ïd. The Communist Movement in Egypt, 1920-1988. Syracuse, N.Y.: Syracuse University Press, 1990.
 19. "A Partial Guide to the Egyptian Political Parties", Connected in Cairo, 15 November 2011.
 20. "Communist Party of Egypt resumes open political activities". Links International Journal of Socialist Renewalaccessdate=28 April 2011.
 21. Rami Ginat (1997), Egypt's Incomplete Revolution: Lutfi Al-Khuli and Nasser's Socialism in the 1960s. Routledge, Op.Cited
 22. "A Partial Guide to the Egyptian Political Parties". Connected in Cairo. 15 November 2011
 23. "Interview with the Egyptian Socialist Party". The Terminator Line. 25 October 2011. Retrieved 4 January 2016.
 24. "Candidates 'swinging' between unstable electoral alliances". Daily News Egypt. 3 September 2015.
 25. "Socialist Alliance holds slain protester's funeral in Egypt's Tahrir". Ahram Online. 28 November 2012
 26. "Innocent protester holding flowers killed on eve of egypt uprising". Daily Mail Online. 25 January 2015.
 27. "New socialist party launched in Egypt". Ahram Online. 25 November 2013.
 28. Presentation of the Board of Egyptian SDP (in Arabic).
 29. "Progressive Politics For A Fairer World". Socialist International. 1 September 2012.

30. "Results of Shura Council Elections". Carnegie Endowment for International Peace. 29 September 2012.
31. "Revolutionary Socialists (Egypt)". Links International Journal of Socialist Renewal. <http://links.org.au/taxonomy/term/537>.
32. "Way of the Revolution Front to vote no to constitution". ahram online. 9 January 2014 in <http://english.ahram.org.eg/News/91136.aspx>.
33. "Sameh Naguib in Egypt: 'Israel's defeat has transformed the region'". Socialist Worker (UK). 26 August 2006 in <http://www.socialistworker.co.uk/art.php?id=9521>.
34. Five socialist parties unite to impact Egyptian politic, Ahram Online, 11 May 2011, Retrieved February 12 2016 <http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/11855/Egypt/Politics-/Five-socialist-parties-unite-to-impact-Egyptian-po.aspx>.
35. "Social Justice Coalition members increase to 27". Daily News Egypt. 1 September 2014.
36. "Egyptian liberal parties merge", Hürriyet Daily News, 30 March 2011.
37. "Egypt's leftist front, will it survive?". Ahram Online. 12 May 2011.
38. "Breathless in Egypt". Al Jazeera. 10 May 2011. Retrieved 11 December 2015.
39. Mohamed El Hebeishy (16 May 2011), "Political star Hamzawy founds his own party", Ahram Online.
40. Revolution Continues Alliance, Nov 18 2011, <http://www.jadaliyya.com/pages/index/3150/revolution-continues-alliance>.
41. Bacon, John (9 July 2013). "Egypt names new prime minister". USA Today.
42. Transitional Roadmap, July 2013, an overview, July 12, 2013, Carnegie Endowment for International Peace, <http://carnegieendowment.org/2013/07/12/transitional-roadmap-july-2013> h3h
43. <https://www.hrw.org/news/2015/01/26/egypt-protesters-killed-marking-revolution>.
44. Egypt protests against anti-protest law". Ahram Online. 24 March 2011.

